

تفسیر نمونه جلد ۵ صفحه ۳۵۴

آیه ۹۵ - ۹۶

آیه و ترجمه

ان الله فالق الحب و النوى يخرج الحى من الميت و مخرج الميت من الحى
ذلکم الله فانى تؤفکون ۹۵
فالق الاصباح و جعل الیل سکنا و الشمس و القمر حسابا ذلک تقدیر العزیز
العلیم
ترجمه :

۹۵ - خداوند شکافنده دانه و هسته است، زنده را از مرده خارج میسازد و مرده را از زنده، این است خدای شما پس چگونه از حق منحرف میشوید؟
۹۶ - او شکافنده صبح است و شب را مایه آرامش و خورشید و ماه را وسیله حساب قرار داده است، این اندازگیری خداوند توانای دانا است.

تفسیر:

شکافنده صبح

بار دیگر روی سخن را به مشرکان کرده و دلایل توحید را در ضمن عبارات جالب و نمونه‌های زنده‌ای از اسرار کائنات و نظام آفرینش و شگفتیهای خلقت، شرح میدهد.

در آیه اول، به سه قسمت از این شگفتیها که در زمین است اشاره شده و در آیه دوم به سه قسمت از پدیده‌های آسمانی.

نخست می‌گوید: خداوند شکافنده دانه و هسته است (ان الله فالق الحب و النوى).

فالق از ماده فلق (بر وزن فرق) به معنی شکافتن چیزی و جدا کردن

تفسیر نمونه ج: ۵ صفحه: ۳۵۵

بعضی از بعض دیگر است.

حب و حبة به معنی دانه‌های خوراکی و غذائی است، مثل گندم و جو و آنچه که قابل درو کردن است ولی گاهی به دانه‌های دیگر گیاهان نیز

گفته میشود.

نوی به معنی هسته است، و اینکه بعضی گفته اند مخصوص هسته خرما است شاید به خاطر این بوده باشد که عرب بواسطه شرائط خاص محیطش هنگامی که این کلمه را به کار میبرد فکرش متوجه هسته خرما می شد.

اکنون ببینیم چه نکته ای در این تعبیر نهفته شده است.

باید توجه داشت که مهمترین لحظه، در حیات یک گیاه همان لحظه شکافتن دانه و هسته است که همانند لحظه تولد یک طفل زمان انتقال از یک عالم به عالم دیگر محسوب می شود، و مهمترین تحول در زندگی او در این لحظه رخ میدهد. جالب اینکه دانه و هسته گیاهان غالبا بسیار محکمند، یک نگاه به هسته خرما و میوههایی مانند هلو و شفتالو و دانههای محکم بعضی از حبوبات نشان می دهد که چگونه آن نطفه حیاتی که در حقیقت نهال و درخت کوچکی است در دژی فوق العاده محکم محاصره شده است، ولی دستگاه آفرینش آنچنان خاصیت تسلیم و نرمش به این دژ نفوذناپذیر، و آنچنان قدرت و نیرو به آن جوانه بسیار لطیف و ظریفی که در درون هسته و دانه پرورش مییابد، می دهد که بتواند دیواره آن را بشکافد و از میان آن قد برافرازد، براستی این حادثه در جهان گیاهان حادثه شگرفی است که قرآن به عنوان یک نشانه توحید انگشت روی آن گذاشته است.

سپس می گوید: موجود زنده را از مرده بیرون میفرستد، و موجودات مرده را از زنده (يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَمُخْرِجُ الْمَيِّتِ مِنَ الْحَيِّ).

تفسیر نمونه جلد ۵ صفحه ۳۵۶

در حقیقت این جمله که نظیر آن در قرآن کرار دیده می شود اشاره به نظام مرگ و حیات و تبدیل یکی به دیگری است، گاهی از مواد آلی بیجان انواع چهره های حیات و زندگی در دل اقیانوسها و اعماق جنگلها و صحراها و بیابانها بیرون می فرستد و از ترکیب موادی که هر کدام به تنهایی سم کشنده ای هستند مواد حیات بخش می سازد، و گاهی به عکس با دگرگونی مختصری موجودات زنده نیرومند و پر قدرت را به موجود بیجانی تبدیل می کند.

مساله حیات و زندگی موجودات زنده اعم از گیاهی و حیوانی، از پیچیده ترین مسائلی است که هنوز علم و دانش بشر نتوانسته است پرده از روی اسرار آن بردارد و به مخفیگاه آن گام بگذارد که چگونه عناصر طبیعی و

مواد آلی با یک جهش عظیم، تبدیل به یک موجود زنده می‌شوند. ممکن است یک روز بشر بتواند با استفاده از ترکیبات مختلف طبیعی در تحت شرایط بسیار پیچیده‌ای موجود زنده‌ای به صورت مونتاژ کردن اجزای یک ماشین که از پیش ساخته شده است، بسازد، ولی نه عجز و ناتوانی امروز بشر و نه توانائی احتمالی او در آینده بر این کار، هیچیک نمی‌تواند از اهمیت موضوع حیات و حکایت نظام پیچیده آن از یک مبداء عالم و قادر بکاهد. لذا می‌بینیم قرآن برای اثبات وجود خدا بارها روی این مساله تکیه کرده است، و پیامبران بزرگی همچون ابراهیم و موسی در برابر گردنکشانى همچون نمرود و فرعون، بوسیله پدیده حیات و حکایت آن از وجود مبداء قادر و حکیم جهان استدلال می‌کردند.

ابراهیم به نمرود ربی الذی یحیی و یمیت: خدای من کسی است که حیات می‌بخشد و می‌میراند (بقره - ۳۵۸) و موسی در برابر فرعون می‌گوید: وانزل من السماء ماء فاخرجنا به از واجا من نبات شتى: «پروردگار من کسی است که از آسمان آبی فرو فرستاد و زوجهائی از انواع گیاهان به

تفسیر نمونه جلد ۵: صفحه ۳۵۷

وجود آورد»، (طه - ۵۳). البته نباید فراموش کرد که پیدایش موجودات زنده از مواد بیجان تنهادر آغاز پیدایش حیات در روی زمین نبوده، هم اکنون نیز با جذب آب و مواد دیگر به سلولهای موجودات زنده در حقیقت لباس حیات در اندام این موجودات بیجان پوشانیده می‌شود، بنابراین قانونی که در علوم طبیعی امروز مسلم است که می‌گوید در شرایط امروز زمین هیچ موجود بیجانی تبدیل به موجود جاندار نمی‌شود و هر کجا موجود زنده‌ای پیدا شود حتما از تخم موجود زنده دیگری بوده است، هیچگونه منافاتی با آنچه گفتیم ندارد (دقت کنید). از روایاتی که در تفسیر این آیه یا آیات مشابه آن از امامان اهل بیت (علیهم السلام) به ما رسیده است استفاده می‌شود که حیات و مرگ مادی نیست بلکه حیات و مرگ معنوی را نیز در بر می‌گیرد افراد با ایمانی را می‌بینیم که از پدرانی بی‌ایمان به وجود می‌آیند، و افراد شرورو آلوده و بی‌ایمانی را مشاهده می‌کنیم که از نسل افراد پاکند، و قانون وراثت را با اراده و اختیار خود نقض می‌کنند که این خود یکی دیگر از نشانه‌های عظمت آفریدگار است که چنین قدرت اراده‌ای به انسان بخشیده است.

نکته دیگری که توجه به آن در اینجا لازم است این است یخرج که فعل مضارع است همانند مخرج که اسم فاعل است دلالت بر استمرار دارد، یعنی نظام پیدایش حیات از موجودات مرده، و پیدایش مردگان از موجودات زنده یک نظام دائمی و عمومی در جهان آفرینش است.

و در پایان آیه به عنوان تاکید و تحکیم مطلب می فرماید: این است خدای شما و این است آثار قدرت و علم بی پایان او، با این حال چگونه از حق منحرف می شوید و شما را به راه باطل می کشانند؟ (ذلکم الله فانی تؤفکون).

تفسیر نمونه جلد ۵ صفحه ۳۵۸

در آیه دوم همانطور که گفتیم به سه نعمت از نعمتهای جوی و آسمانی اشاره شده است. نخست می گوید: خداوند شکافنده صبح است (فالق الاصبح). فلق (بر وزن خلق) در اصل به معنی شکافتن است، و اینکه صبح را فلق می گویند نیز به همین مناسبت می باشد، اصباح و صبح هر دو به یک معنی است.

تعبیر بالا از تعبیرهای بسیار زیبایی است که در اینجا به کار رفته است، زیرا تاریکی شب به پرده ضخیمی تشبیه شده که روشنائی سپیده دم آن را چاک زده از هم می شکافد، و این موضوع هم درباره صبح صادق تطبیق می کند و هم صبح کاذب، زیرا کاذب به روشنائی کم رنگی گفته می شود که در آخر شب به صورت عمودی از مشرق در آسمان پاشیده می شود و همچون شکافی است که از طرف شرق به غرب در خیمه تاریک و سیاه شب پدید می آید، و صبح صادق که بعد از آن طلوع می کند به شکل نوار سفید و درخشان و زیبایی است که در آغاز در پهنه افق مشرق آشکار می شود، گوئی چادر سیاه شب را از طرف پائین در امتداد شمال و جنوب شکافته و پیش می رود و تدریجا بالا آمده و سراسر آسمان را فرا می گیرد.

قرآن علاوه بر اینکه کرارا روی نعمت نور و ظلمت و شب و روز تکیه کرده، در اینجا روی مساله طلوع صبح تکیه می کند که یکی از نعمتهای بزرگ پروردگار است زیرا می دانیم این پدیده آسمانی نتیجه وجود جوزمین (یعنی قشر ضخیم هوا که دور تا دور این کره را پوشانیده) می باشد، اگر اطراف کره زمین همانند کره ماه جوی وجود نداشت نه بین الطلوعین و فلق وجود داشت و نه سپیدی آغاز شب و شفق، بلکه آفتاب همانند یک میهمان ناخوانده بدون هیچ مقدمه سر از افق مشرق بر می داشت و نور خیره کننده خود را در

چشمهائی که به تاریکی شب عادت کرده بود فوراً می‌پاشید، و به هنگام غروب مانند یک مجرم

تفسیر نمونه جلد ۵ صفحه ۳۵۹

فراری، یک مرتبه از نظرها پنهان می‌شد و در یک لحظه تاریکی و ظلمت وحشتناکی همه جا را فرا می‌گرفت، اما وجود جو زمین و فاصله‌ای که در میان تاریکی شب، و روشنایی روز به هنگام طلوع و غروب آفتاب قرار دارد، انسان را تدریجاً برای پذیرا شدن هر یک از این دو پدیده متضاد آماده می‌سازد، و انتقال از نور به ظلمت و از ظلمت به نور، به صورت تدریجی و ملایم و کاملاً مطبوع و قابل تحمل انجام می‌گردد، بسیار دیده‌ایم هنگام شب در یک اطاق پر نور که در یک لحظه چراغ خاموش می‌شود چه حالت ناراحت کننده‌ای به همه دست می‌دهد و اگر این خاموشی ساعتی طول بکشد، هنگامی که چراغ بدون مقدمه روشن می‌شود باز حالت ناراحتی تازه‌ای به همه دست می‌دهد، نور خیره کننده چراغ چشم را می‌آزارد و برای دیدن اشیاء اطراف دچار زحمت می‌شویم و اگر این موضوع تکرار پیدا کند مسلماً برای چشم زیان‌بخش خواهد بود، شکافنده صبح این شکل را به صورت بسیار عالی برای بشر حل کرده است.

ولی برای اینکه تصور نشود شکافتن صبح دلیل این است که تاریکی و ظلمت شب، چیز نامطلوب و یا مجازات و سلب نعمت است بلافاصله می‌فرماید خداوند شب را مایه آرامش قرار داد (و جعل الليل سكناً). این موضوع مسلم است که انسان در برابر نور و روشنایی تمایل به تلاش و کوشش دارد، جریان خون متوجه سطح بدن می‌شود، و تمام سلولها آماده فعالیت می‌گردند، و به همین دلیل خواب در برابر نور چندان آرام‌بخش نیست، ولی هر قدر محیط تاریک بوده باشد خواب عمیق‌تر و آرام‌بخش‌تر است، زیرا در

تفسیر نمونه جلد ۵ صفحه ۳۶۰

تاریکی خون متوجه درون بدن می‌گردد و به طور کلی سلولها در یک آرامی و استراحت فرو می‌روند، به همین دلیل در جهان طبیعت نه تنها حیوانات بلکه گیاهان نیز به هنگام تاریکی شب به خواب فرو می‌روند و با نخستین اشعه صبحگاهان جنب و جوش و فعالیت را شروع می‌کنند، به عکس دنیای ماشینی

که شب را تا بعد از نیمه بیدار می‌مانند، و روز را تا مدت زیادی بعد از طلوع آفتاب در خواب فرو می‌روند، و نشاط و سلامت خود را از دست می‌دهند. در احادیثی که از طرق اهل بیت (علیهم‌السلام) وارد شده دستورهائی می‌خوانیم که همه با روح این مطلب سازگار است، از جمله در نهج‌البلاغه از علی (علیه‌السلام) نقل شده که به یکی از دوستان خود دستور داد در آغاز شب هرگز به سیر خود ادامه مده زیرا خداوند شب را برای آرامش قرار داده است و آن را وقت اقامت نه کوچ کردن قرار داده در شب بدن خود را آرام بدار و استراحت کن.

در حدیثی که در کافی از امام باقر (علیه‌السلام) نقل شده می‌خوانیم: تزوج باللیل فانه جعل اللیل سکنا: «مراسم ازدواج را در شب قرار ده زیرا شب مایه آرامش است» (همانطور که ازدواج و آمیزش صحیح جنسی نیز آرامبخش است).

و نیز در کتاب کافی می‌خوانیم: که امام علی بن الحسین (علیه‌السلام) به خدمتکاران دستور می‌داد که هرگز به هنگام شب و قبل از طلوع فجر حیوانات را ذبح نکنند و می‌فرمود: ان الله جعل اللیل سکنا لكل شیء: خداوند شب را برای همه چیز مایه آرامش قرار داده است. سپس اشاره به سومین نعمت و نشانه عظمت خود کرده: و خورشید و ماه را وسیله حساب در زندگی شما قرار داد (و الشمس و القمر حسبانا).

تفسیر نمونه جلد ۵ صفحه ۳۶۱

حسبان (بر وزن لقمان) مصدر از ماده حساب، به معنی حساب کردن است، و در اینجا ممکن است منظور این بوده باشد که گردش منظم و سیر مرتب این دو کره آسمانی (البته منظور از حرکت آن در نظر ما است که ناشی از حرکت زمین است) موجب می‌شود که شما بتوانید برنامه‌های مختلف زندگی خود را تحت نظام و حساب در آورید (همانطور که در تفسیر بالا ذکر کردیم). بعضی از مفسران نیز احتمال داده‌اند که منظور از جمله بالا این است که خود این دو کره آسمان تحت نظام و حساب و برنامه است. بنابراین در صورت اول اشاره به یکی از نعمتهای خداوند است برای انسانها، و در صورت دوم اشاره به یکی از نشانه‌های توحید و دلائل اثبات وجود خدا است، و ممکن است اشاره به هر دو معنی بوده باشد. و در هر صورت این موضوع بسیار جالب توجه است که میلیونها سال کره زمین

به دور خورشید، و ماه به دور زمین گردش می کند، و بر اثر آن قرص آفتاب در برابر برجهای دوازدهگانه فلکی در نظر ما زمینیان گردش می کند، و قرص ماه با هلال منظم خود و تغییر تدریجی و نوسان مرتب ظاهر می شود، این گردش به قدری حساب شده است که حتی لحظه ای پس و پیش نمی شود، اگر طول مسیر زمین را به دور خورشید در نظر بگیریم که در یک مدار بیضی شکل که شعاع متوسط آن ۱۵۰ میلیون کیلومتر است می گردد با آن نیروی عظیم جاذبه آفتاب، و همچنین کره ماه که در هر ماه مسیر دایره مانند خود را با شعاع متوسط ۳۸۴ هزار کیلومتر طی می کند و نیروی عظیم جاذبه زمین دائماً آن را به سوی خود می کشد، آنگاه متوجه خواهیم شد که چه تعادل دقیقی در میان نیروی جاذبه این کرات از یکسو، و نیروی گریز از مرکز آنها از سوی دیگر، برقرار شده که در سیر منظم آنها لحظه ای وقفه یا کم و زیاد ایجاد نمی کند، و این ممکن نیست مگر

تفسیر نمونه جلد ۵ صفحه ۳۶۲

در سایه یک علم و قدرت بی انتها که هم طرح آن را بریزد و هم آن را دقیقاً اجرا کند.
و لذا در پایان آیه می گوید: این اندازه گیری خداوندی است که هم توانا است و هم دانا (ذلک تقدیر العزیز العليم).

تفسیر نمونه ج: ۵ صفحه: ۳۶۳

آیه ۹۷

آیه و ترجمه

و هو الذی جعل لکم النجوم لتهتدوا بها فی ظلمت البر و البحر قد فصلنا الایات لقوم یعلمون ۹۷
ترجمه :

۹۷ - او کسی است که ستارگان را برای شما قرار داد تا در تاریکیهای خشکی و دریا بوسیله آنها هدایت شوید، نشانه ها (ی خود) را برای کسانی که می دانند (و) اهل فکر و اندیشه اند) بیان داشتیم.

تفسیر:

در تعقیب آیه قبل که اشاره به نظام گردش آفتاب و ماه شده بود، در اینجا به یکی دیگر از نعمتهای پروردگار اشاره کرده می گوید: او کسی است

که ستارگان را برای شما قرار داد تا در پرتو آنها راه خود را در تاریکی صحرا و دریا، در شبهای ظلمانی، بیابید (و هو الذی جعل لکم النجوم لتتهتدوا بهافی ظلمات البر و البحر)

و در پایان آیه می‌فرماید: نشانه‌ها و دلائل خود را برای افرادی که اهل فکر و فهم و اندیشه‌اند روشن ساختیم (قد فصلنا الايات لقوم یعلمون) انسان هزاران سال است که با ستارگان آسمان و نظام آنها آشنا است گرچه هر قدر علم و دانش انسان پیشتر رفته است به عمق این نظام واردتر شده، ولی در هر حال همیشه کم و بیش به وضع آنها آشنا بوده لذا برای جهت‌یابی در سفرهای دریائی و خشکی بهترین وسیله او، همین ستارگان بودند. مخصوصاً در اقیانوسهای وسیع که هیچ نشانه‌ای برای پیدا کردن راه مقصد در دست نیست و در آن زمان دستگاه قطب‌نما نیز اختراع نشده بود وسیله مطمئنی

تفسیر نمونه جلد ۵ صفحه ۳۶۴

جز ستارگان آسمان وجود نداشتند، همانها بودند که میلیونها بشر را از گمراهی و غرقاب نجات می‌دادند و به سر منزل مقصود می‌رسانیدند. نگاه‌پی در پی به صفحه آسمان در چند شب متوالی نشان می‌دهد که وضع قرار گرفتن ستارگان در همه جا یکنواخت است گوئی ستارگان همانند دانه‌های مرواریدی هستند که روی یک پارچه سیاه دوخته شده‌اند، و این پارچه را از آغاز شب از سمت مشرق به سوی مغرب می‌کشند و همگی با آن در حرکتند و بدور محور زمین می‌گردند بدون اینکه فاصله آنها تغییر پیدا کند، تنها استثنائی که به این قانون کلی می‌خورد این است که تعدادی ستارگان هستند که آنها را سیارات می‌نامند و آنها حرکات مستقل و مخصوص به خود دارند، و مجموع آنها از ۸ ستاره تجاوز نمی‌کند که ۵ عدد آنها با چشم دیده می‌شوند (عطارد، زهره، زحل، مریخ و مشتری) ولی تنها با دوربینهای نجومی میتوان سه سیاره دیگر (اورانوس و نپتون و پلوتون) را مشاهده کرد، (البته با توجه به اینکه زمین نیز یکی از سیاراتی است که به دور خورشید می‌گردد مجموع عدد آنها به ۹ می‌رسد).

شاید انسانهای قبل از تاریخ نیز با وضع «ثوابت» و «سیارات» آشنا بوده‌اند، زیرا برای انسان هیچ منظره‌ای جالبتر و دل‌انگیزتر از منظره آسمان در یک شب تاریک و پر ستاره نیست، و به همین دلیل بعید نیست که آنها نیز

برای پیدا کردن مسیر خود از ستارگان استفاده میکردند.
از بعضی از روایات که از طرق اهل بیت (علیهم السلام) وارد شده است استفاده می‌شود که آیه فوق تفسیر دیگری نیز دارد، و آن اینکه منظور از نجوم رهبران الهی و هادیان راه سعادت یعنی امامان هستند که مردم به وسیله آنها در تاریکیهای زندگی از گمراهی نجات می‌یابند، و همانطور که بارها گفته‌ایم اینگونه تفاسیر معنوی با تفسیر ظاهری و جسمانی آیه منافاتی ندارد، و ممکن است آیه ناظر به هر دو

تفسیر نمونه جلد ۵ صفحه ۳۶۵

قسمت باشد.

آیه ۹۸ - ۹۹

آیه و ترجمه

و هو الذی اءنشاکم من نفس وحدة فمستقر و مستودع قد فصلنا الایت لقوم یفقهون ۹۸

و هو الذی اءنزل من السماء ماء فاخرجنا به نبات کل شیء فاخرجنا منه خضرا نخرج منه حبا متراکبا و من النخل من طلعها قنوان دانیة و جنت من اءعاب و الزیتون و الرمان مشتبهها و غیر متشبه انظروا الی ثمره اذا اءثمر و ینعه ان فی ذلکم لایت لقوم یؤمنون ۹۹

ترجمه :

۹۸ - او کسی است که شما را از یک نفس آفرید، در حالی که بعضی از انسانها پایدارند (از نظر ایمان یا خلقت کامل) و بعضی ناپایدار، ما آیات خود را برای کسانی که می‌فهمند بیان نمودیم.

۹۹ - او کسی است که از آسمان آبی نازل کرد و بوسیله آن گیاهان گوناگون رویانیدیم، از آن ساقه‌ها و شاخه‌های سبز خارج ساختیم و از آنها دانه‌های متراکم، و از شکوفه نخل خوشه‌ها با رشته‌های باریک بیرون فرستادیم و باغها از انواع انگور و زیتون و انار شبیه به یکدیگر و بی‌شباهت هنگامی که میوه می‌کند به میوه آن و طرز رسیدنش بنگرید که در آن نشانه‌هایی برای افراد با ایمان

تفسیر نمونه جلد ۵ صفحه ۳۶۶

تفسیر:

در این آیات نیز دلائل توحید و خداشناسی تعقیب شده است، زیرا قرآن برای

این هدف گاهی انسان را در آفاق و جهانهای دور دست سیر، و گاهی او را به سیر در درون وجود خویش دعوت می‌نماید و آیات و نشانه‌های پروردگار را در جسم و جان خودش برای او شرح می‌دهد، تا خدا را در همه جا و در همه چیز ببیند.

نخست می‌گوید: او کسی است که شما را از یک انسان آفرید. (و هو الذی انشاکم من نفس واحدة).

یعنی شما با این همه چهره‌های گوناگون، ذوقها و افکار متفاوت، و تنوع وسیع در تمام جنبه‌های وجودی، همه از یک فرد آفریده شده‌اید، و این نهایت عظمت خالق و آفریدگار را می‌رساند که چگونه از یک مبداء اینهمه چهره‌های متفاوت آفریده است؟.

قابل توجه اینکه در این جمله از خلقت انسان تعبیر به انشاء شده است، و این کلمه چنانکه از متون لغت استفاده می‌شود به معنی ایجاد و ابداع آمیخته با تربیت و پرورش است، یعنی نه تنها خداوند شما را بدون هیچ سابقه آفرید، بلکه تربیت و پرورش شما را نیز بر عهده گرفت، و مسلم است که اگر آفریننده، چیزی را بیافریند، سپس او را رها سازد زیاد قدرت نمائی نکرده، اما اگر همواره او را تحت حمایت خویش قرار دهد و لحظه‌ای از پرورش و تربیت او غافل نگردد، عظمت و رحمت خود را کاملاً نشان داده است.

ضمناً نباید از جمله فوق این توهم پیدا شود که حوا مادر نخستین ما از آدم آفریده شده است (آنچنانکه در تورات در فصل دوم از سفر تکوین آمده است)

تفسیر نمونه جلد ۵ صفحه ۳۶۷

بلکه چون آدم و حوا طبق روایات اسلامی هر دو از یک خاک آفریده شده‌اند و هر دو یک جنس و یک نوع می‌باشند کلمه نفس واحده به آنها گفته شده است (در آغاز سوره نساء نیز در این باره بحث کردیم).

سپس می‌فرماید: «جمعی از افراد بشر مستقر هستند و جمعی مستودع» (مستقر و مستودع)

مستقر در اصل از ماده «قر» (بر وزن حر) به معنی سرما است و از آنجا که سرمای شدید هوا انسان و موجودات دیگر را خانه‌نشین می‌کند، این کلمه به معنی سکون و توقف و قرار گرفتن آمده است، و مستقر به معنی ثابت و پایدار می‌آید.

مستودع از ماده «ودع» (بر وزن منع) به معنی ترک کردن است و از آنجا

که امور ناپایدار محل خود را به زودی ترک می‌گوید، این کلمه به معنی ناپایدار نیز به کار می‌رود، و ودیعه را از این نظر ودیعه می‌گویند که باید محل خود را ترک گوید و به دست صاحب اصلی باز گردد.

از مجموع آنچه گفته شد چنین نتیجه می‌گیریم که آیه فوق می‌گوید بعضی از انسانها پایدارند و بعضی ناپایدار، در اینکه منظور از این دو تعبیر در اینجا چیست در میان مفسران گفتگوی زیادی دیده می‌شود، ولی از میان آنها چند تفسیر که در عین حال منافاتی با هم ندارند و می‌توانند همه به عنوان تفسیر آیه پذیرفته شود نزدیکتر به نظر می‌رسند،

نخست اینکه منظور از «مستقر» انسانهایی هستند که آفرینش آنها کامل شده و در قرارگاه رحم مادر یا در روی زمین گام نهاده‌اند، و مستودع اشاره به افرادی است که هنوز آفرینش آنها پایان نیافته و به صورت نطفه‌ای در صلب پدران هستند.

دیگر اینکه مستقر اشاره به روح انسان می‌باشد که موضوعی پایدار و

تفسیر نمونه جلد ۵ صفحه ۳۶۸

برقرار است و مستودع اشاره به جسم انسان است که ناپایدار و فانی است. در بعضی از روایات یک تفسیر معنوی برای این دو تعبیر نیز وارد شده که مستقر اشاره به انسانهایی است که دارای ایمان پایدارند و مستودع اشاره به آنها است که ایمانی ناپایدار دارند.

این احتمال نیز وجود دارد که دو تعبیر فوق اشاره به اجزای اولیه تشکیل‌دهنده نطفه انسان بوده باشد، زیرا چنانکه میدانیم نطفه انسان از دو جزء یکی اوول (نطفه ماده) و دیگری اسپر (نطفه نر) تشکیل شده است، نطفه ماده در رحم تقریباً ثابت و مستقر است، ولی نطفه‌های نر به صورت جانداران متحرک به سوی او با سرعت حرکت می‌کنند و نخستین فرد «اسپر» که به «اوول» میرسد با او می‌آمیزد و بقیه را عقب می‌راند و تخمه اولی انسان را تشکیل می‌دهد.

در پایان آیه بار دیگر می‌گوید: «ما نشانه‌های خود را بر شمردیم تا آنها که دارای فهم و درکند بیندیشند» (قد فصلنا الایات لقوم یفقهون).

با مراجعه به لغت استفاده می‌شود که فقه هر گونه علم و فهمی نیست بلکه از معلومات حاضر پی به معلومات غائب بردن است بنابراین توجه به آفرینش انسان با این همه چهره‌های متفاوت و قیافه‌های جسمی و روحی مختلف

درخور این است که افراد نکته سنج در آن بیندیشند و خدای خود را از آن بشناسند.

آیه دوم آخرین آیه‌ای است که در این سلسله بحثها ما را به شگفتیهای جهان آفرینش، و شناسائی خداوند از طریق آن دعوت می‌کند. در آغاز به یکی از مهمترین و اساسی‌ترین نعمتهای پروردگار که می‌توان آن را ریشه و مادر سایر نعمتها دانست اشاره می‌کند و آن پیدایش و رشد و نمو

تفسیر نمونه جلد ۵ صفحه ۳۶۹

گیاهان و درختان در پرتو آن است، و می‌گوید: «او کسی است که از آسمان آبی (برای شما) فرستاد» (و هو الذی انزل من السماء ماء) اینکه می‌گوید از طرف آسمان (یعنی طرف بالا، زیرا آسمان در لغت عرب به هر چیز گفته می‌شود که در طرف بالا قرار گرفته باشد) به خاطر آن است که تمام منابع آب روی زمین اعم از چشمه‌ها و نهرها و قناتها و چاههای عمیق به آب باران منتهی می‌گردد لذا کمبود باران در همه آنها اثر می‌گذارد و اگر خشکسالی ادامه یابد همگی خشک می‌شوند. سپس به اثر بارش نزول باران اشاره کرده، می‌گوید: بواسطه آن روئیدنیها را از همه نوع از زمین خارج ساختیم (فاخرجنا به نبات کل شیء)

مفسران در تفسیر نبات کل شیء (گیاهان هر چیز) دو احتمال ذکر کرده‌اند نخست اینکه منظور از آن انواع و اصناف گیاهانی است که همه با یک آب آبیاری و از یک زمین و یک نوع خاک پرورش می‌یابند، و این از عجائب آفرینش است که چگونه اینهمه انواع گیاهان با آن خواص کاملاً متفاوت و گاهی متضاد و اشکال گوناگون و مختلف همه در یک زمین و با یک آب پرورش می‌یابند.

دیگر اینکه منظور، گیاهان مورد نیاز هر چیزی است، یعنی هر یک از پرندگان و چهارپایان و حشرات و حیوانات دریا و صحرا بهره‌ای از این گیاهان دارند و جالب اینکه خداوند از یک زمین و یک آب، غذای مورد نیاز همه را تأمین کرده است و این یک شاهکار بزرگ است که فی‌المثل از یک ماده معین در آشپزخانه هزاران نوع غذا برای انواع سلیقه‌ها و مزاجها تهیه کنند.

جالبتر اینکه نه تنها گیاهان صحرا و خشکیها از برکت آب باران پرورش می‌یابند بلکه گیاهان بسیار کوچکی که در لابلاي امواج آب دریاها می‌رویند و خوراک عمده ماهیان دریا است از پرتو نور آفتاب و

دانه‌های باران رشد می‌کنند، فراموش نمی‌کنم یکی از ساکنان جزائر خلیج فارس که از کمبود صید شکایت

تفسیر نمونه جلد ۵ صفحه ۳۷۰

داشت در مورد بیان علت آن می‌گفت: کمبود صید ماهی به خاطر خشکسالی بوده و او معتقد بود اثر حیاتبخش دانه‌های باران در دریاحتی بیش از خشکیها است!

سپس به شرح این جمله پرداخته و موارد مهمی را از گیاهان و درختان که بوسیله آب باران پرورش می‌یابند خاطر نشان می‌سازد، نخست می‌گوید: «ما به وسیله آن ساقه‌های سبز گیاهان و نباتات را از زمین خارج ساختیم، و از دانه کوچک و خشک ساقه‌ای با طراوت و سرسبز که لطافت و زیبایی آن چشم را خیره می‌کند آفریدیم» (فاخر جانا منه خضرا). «و از آن ساقه سبز، دانه‌های روی هم چیده شده، (همانند خوشه گندم و ذرت) بیرون می‌آوریم» (نخرج منه حبا متراکبا،

«همچنین به وسیله آن از درختان نخل خوشه سربسته‌ای بیرون فرستادیم که پس از شکافته شدن رشته‌های باریک و زیبایی که دانه‌های خرما را بر دوش خود حمل می‌کنند و از سنگینی به طرف پائین متمایل میشوند خارج می‌گردد») (و من النخل من طلعه قنوان دانیة)

طلع به معنی خوشه سربسته خرما است که در غلاف سبز رنگ زیبایی پیچیده شده و پس از شکافته شدن از وسط آن رشته‌های باریکی بیرون می‌آید و و همانها بعدا خوشه‌های خرما را تشکیل می‌دهند، و قنوان جمع قنو (بر وزن صنف) اشاره به همین رشته‌های باریک و لطیف است.

و دانیة به معنی نزدیک است، و ممکن است اشاره به نزدیکی این رشته‌ها

تفسیر نمونه ج: ۵ صفحه: ۳۷۱

به یکدیگر بوده باشد یا به متمایل شدن آنها به طرف پائین به خاطر سنگین بار شدن.

«همچنین باغهایی از انگور و زیتون و انار پرورش دادیم» (و جنات من اعناب و الزیتون و الرمان)

سپس اشاره به یکی دیگر از شاهکارهای آفرینش در این درختان کرده می‌فرماید: «هم با یکدیگر شباهت دارند و هم ندارند» (مشتبها و

غیرمتشابه)

با توجه به آیه ۱۴۱ همین سوره که وصف متشابه و غیر متشابه را برای زیتون و انار ذکر کرده استفاده می شود که در آیه مورد بحث نیز وصف مزبور درباره همین دو درخت است.

این دو درخت از نظر شکل ظاهری و ساختمان شاخه ها و برگها شباهت زیادی با هم دارند در حالی که از نظر میوه و طعم و خاصیت آن بسیار باهم متفاوتند، یکی دارای ماده چربی مؤثر و نیرومند، و دیگری دارای ماده اسیدی و یا قندی است، که با یکدیگر کاملاً متفاوتند، به علاوه این دو درخت گاهی درست در یک زمین پرورش می یابند و از یک آب مشروب می شوند یعنی هم با یکدیگر تفاوت زیاد دارند و هم شباهت.

این احتمال در تفسیر آیه نیز وجود دارد که عبارت فوق اشاره به انواع واصناف مختلف درختان و میوه ها است، بعضی از میوه ها و درختان با یکدیگر شبیهند و بعضی دیگر با هم مختلفند. (یعنی هر کدام از این دو صفتی است برای یک دسته از درختان و میوه ها، اما طبق تفسیر اول هردو، صفت برای یک چیز بودند). سپس از میان تمام اعضای پیکر درخت بحث را روی میوه برده می گوید:

تفسیر نمونه جلد ۵ صفحه ۳۷۲

«نگاهی به ساختمان میوه آن به هنگامی که به ثمر می نشیند و همچنین نگاهی به چگونگی رسیدن میوه ها کنید که در اینها نشانه های روشنی از قدرت و حکمت خدا برای افرادی که اهل یقین هستند است.

(انظروا الی ثمره اذا اثمر و ینعه ان فی ذلکم لایات لقوم یؤمنون)

با توجه به آنچه در گیاه شناسی از چگونگی پیدایش میوه ها و رسیدن آنها امروز می خوانیم نکته این اهمیت خاص که قرآن برای میوه قائل شده است روشن می شود، زیرا پیدایش میوه ها درست همانند تولد فرزند در جهان حیوانات است، نطفه های نر با وسائل مخصوصی (وزش باد یا حشرات و مانند آنها) از کیسه های مخصوص جد می شوند، و روی قسمت مادگی گیاه قرار می گیرند، پس از انجام عمل لقاح و ترکیب شدن با یکدیگر، نخستین تخم و بذر تشکیل می گردد، و در اطرافش انواع مواد غذایی همانند گوشتی آن را در بر می گیرند. این مواد غذایی از نظر ساختمان بسیار متنوع و همچنین از نظر طعم و خواص غذایی و طبی فوق العاده متفاوتند، گاهی یک میوه (مانند انار و انگور) دارای صدها دانه است که هر دانه ای از آنها خود جنین و

بذر درختی محسوب و ساختمانی بسیار پیچیده و تو در تو دارد. شرح ساختمان همه میوه‌ها و مواد غذایی و داروئی آنها از حوصله این بحث خارج است، ولی بد نیست به عنوان نمونه اشاره‌ای به ساختمان میوه انار که قرآن در آیه فوق مخصوصا اشاره به آن کرده است، بنمائیم. اگر یک انار را بشکافیم و یک دانه کوچک آن را به دست گرفته و در مقابل آفتاب یا چراغ قرار دهیم و درست در آن دقت کنیم می‌بینیم از قسمتهای کوچکتری تشکیل شده که همانند بطریهای بسیار کوچکی با محتوای مخصوص آب انار در کنار هم چیده شده‌اند، در یک دانه کوچک انار شاید صدها از این بطریهای بسیار ریز قرار دارد، سپس اطراف آنها را با پوسته ظریف که همان پوسته شفاف یکدانه

تفسیر نمونه جلد ۵ صفحه ۳۷۳

انار است گرفته، بعد برای اینکه این بسته‌بندی کاملتر و محکمتر و دورتر از خطر باشد تعدادی از دانه‌های انار را روی یک پایه با نظام مخصوصی چیده و پرده سفید رنگ نسبتا ضخیمی اطراف آن پیچیده، و بعد پوسته ضخیم و محکمی که از دو طرف دارای لعاب خاصی است به روی همه آنها کشیده، تا هم از نفوذ هوا و میکربها جلوگیری کند و هم در مقابل ضربات آنها را حفظ نماید، و هم تبخیر آب درون دانه‌ها را فوق‌العاده کم کند. این بسته‌بندی ظریف مخصوص دانه انار نیست بلکه در میوه‌های دیگر مانند پرتقال و لیمو نیز دیده می‌شود، اما در انار و انگور بسیار ظریفتر و جالبتر است.

گویا بشر برای فرستادن مایعات از نقطه‌ای به نقطه دیگر از همین اصل استفاده کرده که نخست شیشه‌های کوچک را در یک کارتن کوچک چیده و میان آنها را از ماده نرمی پر می‌کند، سپس کارتنهای کوچکتر را در یک کارتن بزرگتر و مجموع آنها را بصورت یک بار بزرگ به مقصد حمل می‌کند! طرز قرار گرفتن دانه‌های انار روی پایه‌های داخلی، و گرفتن سهم خود از آب و مواد غذایی از آنها از این هم عجیبتر و جالبتر است، تازه اینها چیزهائی است که با چشم می‌بینیم و اگر ذرات این میوه‌ها را زیر میکروسکوپها بگذاریم آنگاه جهانی پرغوغا با ساختمانهای عجیب و شگفت‌انگیز و فوق‌العاده حساب شده در مقابل چشم ما مجسم می‌شود، چگونه ممکن است کسی با چشم حقیقت بین به یک میوه‌نگاه کند و معتقد شود سازنده آن هیچگونه علم و دانشی نداشته است؟! و اینکه می‌بینیم قرآن با جمله انظروا (نگاه کنید) دستور

به دقت کردن در این قسمت از گیاه داده برای توجه به همین حقایق است. این از یک سو، از سوی دیگر مراحل مختلفی را که یک میوه از هنگامی که نارس است تا موقعی که کاملاً رسیده می‌شود، می‌پیماید، بسیار قابل ملاحظه است: زیرا لابراتوارهای درونی میوه دائماً مشغول کارند، و مرتباً ترکیب شیمیائی

تفسیر نمونه جلد ۵ صفحه ۳۷۴

آن را تغییر می‌دهند، تا هنگامی که به آخرین مرحله برسد و وضع ساختمان شیمیائی آن تثبیت گردد، هر یک از این مراحل خود نشانه‌ای از عظمت و قدرت آفریننده است.

ولی باید توجه داشت که به تعبیر قرآن تنها افراد با ایمان یعنی افراد حق‌بین و جستجوگران حقیقت، این مسائل را می‌بینند و گر نه با چشم عناد و لجاج و یا با بی‌اعتنائی و سهل‌انگاری ممکن نیست هیچیک از این حقایق را ببینیم.

بعد ←

↑ فرست

→ قبل